

مسیحی صاحب الزمان

بیت پر عالم

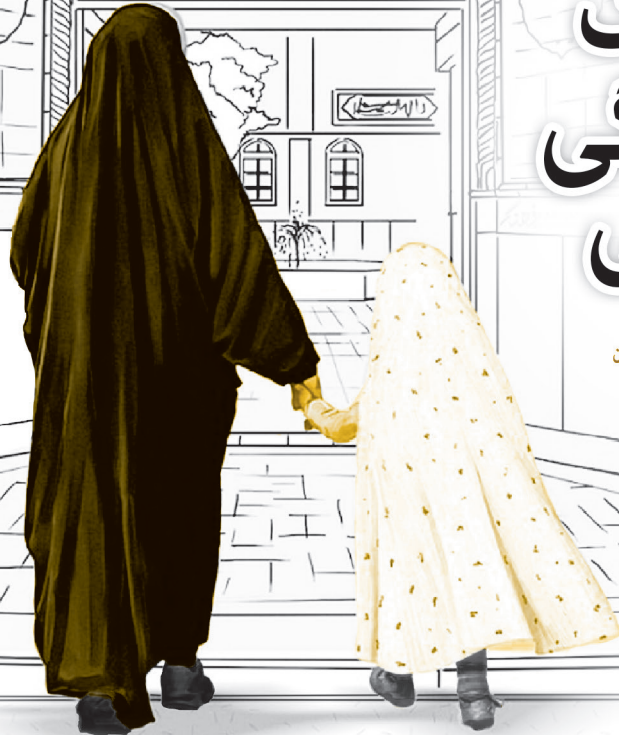
۲ کتب گنجی

جایگاه حسنی شاعر



سبک زندگی دینی

گفتاری از
حجت الاسلام و المسلمین
سید حسین مؤمنی





سبک‌دستی

صفحه ۱۹

سبک زندگی ۲

سبک زندگی دینی، زمستان ۱۳۹۴

گفتاری از حجت الاسلام و المسلمین سید حسین مؤمنی (زید عزه)

دومین همایش هیأت‌های محوری و برگزیده کشور

زمان: اسفند ماه ۱۳۹۲ - مکان: قم - جمکران

ویرایش و تنظیم: معاونت تولیدات رسانه‌ای جامعه ایمانی مشعر

صفحه آرا: حسن ناصری

طراح جلد: سید مجتبی نبی‌زاده

شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه

قیمت: ۲۰۰۰ تومان (غیرقابل فروش)

استفاده از مطالب نشریه و تکثیر آن برای هیأت‌ها، در صورت ذکر منبع آزاد می‌باشد.



جامعه ایمانی مشعر

نشانی: قم، بلوار امین، کوچه ۱۰، پلاک ۲۰

تلفکس: ۰۲۵ - ۳۲ ۹۲ ۸۹ ۵۱

کد پستی: ۳۷۱۶۶ - ۳۷۱۵۱

سامانه پیامک: ۳۰۰۰ ۱۵۴۲

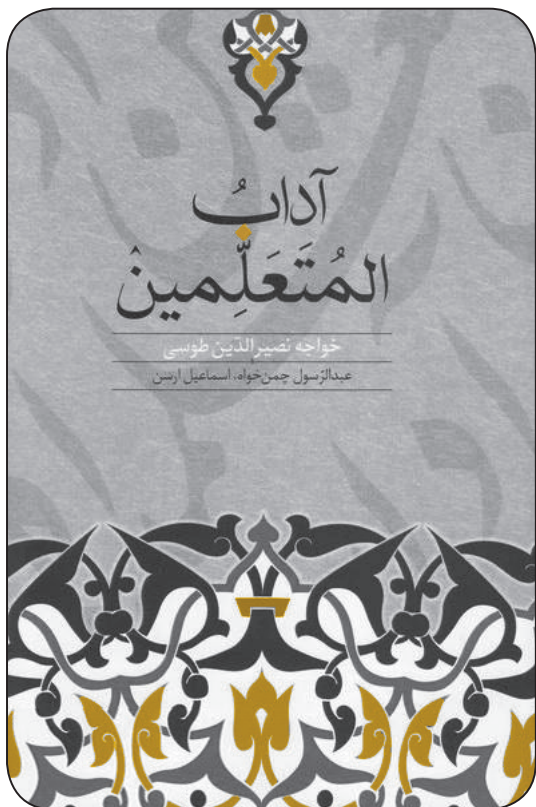
پایگاه اطلاع‌رسانی: www.1542.org

رایانامه: info@1542.org

بسم در بعثت پیام

مقدمه

سبب زندگی یکی از موضوعات اساسی برای تشکیل هر تمدنی می‌باشد. این موضوع توسط جامعه‌شناسان و مسئولان هر جامعه همیشه مورد بحث قرار دارد. رهبر معظم انقلاب در سفر خود به خراسان شمالی به ذکر اهمیت این موضوع پرداختند و این موضوع را مقدمه‌ای برای تشکیل تمدن اسلامی خواندند. در همین رابطه حجت‌الاسلام و المسلمین سید حسین مومنی در همایش هیأت‌های محوری و برگزیده کشور دعوت شدند تا به بیان نکات مهمی در رابطه با سبب زندگی اسلامی بپردازند و رسالت هیأت‌های کشور را در این موضوع بیان کنند. متن کامل سخنرانی ایشان در ادامه این منشور آمده است.



سبک زندگی و اقسام آن

در سال‌های اخیر شاهد بیان کلماتی از حضرت آقا درباره سبک زندگی بوده‌ایم؛ اما به نظر می‌رسد برگزاری جلسات و همایش‌ها در این خصوص در عمل با مطالبات رهبر معظم انقلاب بیگانه بوده است.

اگر سبک زندگی و اقسام آن را مورد بررسی قرار دهیم، به نظر یک قسم آن مد نظر حضرت آقا است که در ادامه به آن می‌پردازیم.

۱. اقسام سبک زندگی

۱-۱. سبک زندگی فردی

اولین قسم از سبک زندگی، «زندگی فردی، جزئی، مبتلابه فردی و شخصی» است.

۱-۱-۱. روش‌ها در سبک زندگی فردی

چگونگی خوردن، خوابیدن، پوشیدن، مطالعه کردن و روش‌هایی از این نوع، در سبک زندگی فردی تعریف می‌شود. در کتاب «آداب المتعلمین»، درباره شیوه مطالعه آمده است که: برای اینکه مطالعه اثر مطلوب داشته باشد، هنگام مطالعه پایتان را جلوی کتاب دراز نکنید؛ پشت به کتاب نباشید؛ از روی کتاب رفت و آمد نکنید؛ زمان مطالعه سر زیاد نباشد و چربی روی سر نباشد.

سبک زندگی فردی مهم است و علمای گذشته نیز در

این وادی زحمات زیادی کشیده‌اند که آثار^۱ ارزشمند و ماندگار آن بزرگان مؤید این مطلب است.

۱-۲. سبک زندگی اجتماعی

سبک زندگی اجتماعی، دومین نوع از سبک زندگی است. این سبک را با یک مثال بیان می‌کنم، به این شرط که حسن ظن داشته باشید و برداشت سیاسی نکنید.

وقتی ایده‌آل تراز کیفی سبک زندگی یک جامعه از امتیاز صد، پنجاه باشد، جامعه‌شناسان و روانشناسان نشست کارشناسی برگزار می‌کنند تا امتیاز این جامعه را به سطح مطلوب برسانند؛ تلاش می‌کنند با تحقیقات علمی دقیق، در زمینه‌های شهرنشینی، آپارتمان‌نشینی و رانندگی، فرهنگ‌سازی و هنجارسازی کنند. مثلاً برای ارتقاء سطح فرهنگی جامعه با کار علمی دقیق، بین مردم سبک کالا تقسیم می‌کنند و منتقدین به این فرهنگ‌سازی را بی‌سواد خطاب می‌کنند؛ و این کار را کارشناسی شده و کاملاً علمی قلمداد می‌کنند و ابراز می‌دارند که دانشمندان این شیوه را مدت‌ها رصد کرده‌اند تا به این شیوه مطلوب رسیده‌اند!

جامعه‌شناس و روان‌شناس ما برای ارتقاء سطح شیوه زندگی جامعه، رفتارهای اجتماعی را آسیب‌شناسی می‌کنند و براساس آن، اگر کسی داخل ترمینال فرودگاه سیگار بکشد، می‌گویند چه آدم بی‌فرهنگی است! در سبک زندگی مورد نظر اینان، قبل از پرواز هواپیما، باید کمربند را ببندید؛ کاور پنجره را بالا بکشید و میز جلوی پایتان را ببندید؛ در غیر این صورت شما بی‌فرهنگ هستید. همه این موارد باید رعایت شود و رعایت می‌شود؛ چون فرهنگ‌سازی کرده‌اند؛ در نهایت هم مهماندار هواپیما همه موارد را بازبینی می‌کند و در صورت تخلف تذکر می‌دهد؛ ولی کسی بحث حجاب را کنترل نمی‌کند و در صورت رعایت نکردن نیز کسی تذکر نمی‌دهد؛ چون در این خصوص متأسفانه دغدغه‌ای وجود ندارد و فرهنگ‌سازی نشده است. این در حالی است که در صورت باز بودن کمربند و میز، آسیب وارد شده شخصی است، ولی آسیب بی‌حجابی، عمومی است.

۱-۳. سبک زندگی متکامل

در سبک زندگی متکامل کار بسیار وسیع است. در این دیدگاه ملاک و میزان، نه فرد است و نه یک اجتماع خاص، بلکه جوامع و تمدن‌ها رصد می‌شوند.

۱. کتاب‌های «المحجّه البيضاء» ملا محسن فیض کاشانی (عربی ده جلد، فارسی بیست جلد)، سنن النبى علامه طباطبائی، معراج السعاده و جامعه السعادات، از جمله آثار برجامانده از علما و بزرگان گذشته در خصوص سبک زندگی فردی هستند که وجود این آثار ارزشمند خود گویای اهمیت سبک زندگی فردی است.

دو سؤال در ذیل این دیدگاه مطرح است:

۱- موانع رسیدن جامعه به رشد و تکامل چیست؟

۲- عوامل رشد و تکامل یک جامعه چیست؟

به‌طور طبیعی ما نیاز فردی و اجتماعی داریم. دین‌گریزی، یکی از موانع رشد جامعه است. بعضی‌ها باور ندارند که دین توانمند است و می‌تواند جامعه را اداره کند. چند سال قبل رهبر معظم انقلاب فرمودند: «... ما می‌خواهیم سینمایمان را اسلامی کنیم»^۱. گاهی اموری را در جامعه فرهنگ‌سازی می‌کنند که در تضاد با اصول جامعه دینی ماست. چرا جامعه‌شناسان و روانشناسان، شکسته شدن و از بین رفتن حرمت پدران و مادران را به‌طور جدی آسیب‌شناسی نمی‌کنند؟ دلیل این پرده‌داری‌ها و بی‌حرمتی‌ها چیست؟ یکی از علت‌های شکستن این حریم، سبک معماری غربی است؛ آشپزخانه، سرویس بهداشتی و حمام، طوری در خانه‌ها جا گرفته‌اند که خودبه‌خود حریم‌ها را از بین برده است.

سبک زندگی مد نظر رهبر معظم انقلاب

به‌نظر می‌رسد سبک زندگی مورد نظر رهبر معظم انقلاب حفظه الله از نوع سوم است؛ چراکه ایشان جوامع را رصد می‌کنند و در تقابل با فرهنگ غرب، پرچمدار تمدن نوین اسلامی هستند. رهبر معظم انقلاب با رصد و بررسی و تحلیل فرهنگ غرب، معتقدند، نسل الان یا نسل بعدی شاهد اضمحلال تمدن غرب خواهد بود. حالا در مواجهه با مقوله اضمحلال غرب و تمدن آن، باید ببینیم آیا تمدن اسلام چیزی برای ارائه دارد؟ گاهی در بین دانشگاهیان و فرهیختگان ما برای ایجاد آرامش، خودارضایی را تجویز می‌کنند!

اینان برای تمرکز در جلسه کنکور، به‌طور رسمی ارتباط با جنس مخالف و در صورت نداشتن این ارتباط، خودارضایی را توصیه می‌کند. معتقدند برای داشتن آرامش جنسی یا باید با جنس مخالف ارتباط داشت، یا از طریق خودارضایی این آرامش را تأمین کرد. این چیزی است که عقل و دین و حتی وجدان هم این رفتار را ممنوع کرده است. هیچ عقل سلیمی این امر را توصیه نمی‌کند. به‌جای اینکه برای ایجاد آرامش دنبال راهکار مناسب باشند از این امور استفاده می‌کنند.

۱. دیدار با اعضای شورای انقلاب فرهنگی ۹/۲۳، ۱۳۷۸.



شرایط سبک زندگی در جامعه متکامل

سبک زندگی در جامعه متکامل دارای شرایطی است که برای احراز این شرایط به دو مطلب نیاز داریم:

۱- داشتن برنامه راه؛

۲- داشتن الگو؛

بدون داشتن برنامه راه و الگو، امکان ادامه مسیر برای انسان در این زمینه وجود ندارد؛ یعنی حتماً باید اولاً قانون داشته باشد، ثانياً دارای الگو باشد. قانون راه را به انسان نشان می‌دهد و نجات‌دهنده از تحجیر است. اگر مبدأ و مقصد را بلد باشیم به موقع می‌رسیم؛ در غیراین صورت، ممکن است یا به مقصد نرسیم یا دیر برسیم. بنابراین در جامعه متکامل، هم به قانون، هم به الگو نیاز داریم.

در تقابل با دشمن، فرصت کم است و کار زیاد

هیچ‌گاه فراموش نمی‌کنم وقتی در محضر حضرت آقا ملتس شدیم، ایشان در خلال چند نصیحت فرمودند: «وقت کم است و کار زیاد»؛ این کلام کوتاه، گویای این مطلب است که ما باید در حداقل زمان کاری وسیع انجام دهیم. ما نباید غفلت کنیم؛ دشمن در سنگرش مترصد فرصت و در حال فعالیت زیرزمینی و اعتقادی است. الگو، برای ادامه راه، به انسان انگیزه می‌دهد. سال سوم طلبگی به شدت ناامید و بی‌انگیزه شده بودم؛ با یکی از اساتید به منزل علامه بزرگوار حسن‌زاده آملی رفتیم. در این دیدار، چند کلمه از ایشان، چنان انگیزه و اعتقاد مستحکمی در من ایجاد کرد که اگر به دوران نوجوانی برگردم، همچنان در همین مسیر طلبگی قرار می‌گیرم. انسان برای ادامه راه به واسطه الگو، انگیزه پیدا می‌کند.

لزوم تناسب قانون و الگو با قرآن و روایات

بی‌گمان انسان در سبک زندگی نیازمند قانون و الگوست. اما سؤالی که مطرح است اینکه، آیا هر دست‌ورعملی می‌تواند برای ما قانون

سبک زندگی قرآنی



باشد؟ به‌طور قطع و یقین جواب منفی است. هر دستورالعمل و قانونی را ابتدا باید به قرآن کریم و در ذیل آن به روایات ائمه معصومین (علیهم‌السلام) عرضه کنیم. گاهی پشت اتومبیل‌ها کلمات زیبایی می‌نویسند؛ «زندگی دنده عقب ندارد، زندگی دور برگردان ندارد، جوانی المثنی ندارد». اینها واقعیت است و تعارف هم ندارد. ما نیازمند قانون و الگو هستیم، ولی نه هر شیوه‌ای و از هر شخص و شخصیتی؛ بالاترین سرمایه‌ای که خدا به ما داده، عمری است که در حال گذر و برگشت‌ناپذیر است؛ پس این سرمایه باید در مسیری قرار گیرد که ما را بدون هیچ شک و تردیدی به مقصود و مطلوب برساند؛ دستورالعملی را باید اجرا کنیم که مطمئن باشیم ما را صددرصد به مقصود و مطلوب می‌رساند. الگویی را باید بپذیریم که در تمام جنبه‌های زندگی الگو باشد. کسی که در زمین بازی قهرمان است، ولی در رخت‌کن ادبیات متفاوتی دارد، یا روی پرده سینما می‌درخشد، ولی در زندگی فردی هزاران چالش و مشکل دارد، نمی‌تواند الگوی مناسبی باشد. کسی را باید الگو قرار دهیم که در تمام زوایای زندگی الگو باشد؛ کسی که در بندگی خدا، در اجتماع و حتی در کار سیاسی نیز نمونه باشد.

سبک زندگی ائمه معصومین، بهترین الگو

به بیانی دیگر، قانون با شرایط خاص عبارت است از: قرآن کریم و ذیل آن روایات معصومین (علیهم‌السلام) الگو نیز تنها در سیره^۱ عملی پیامبر اسلام و عترت پیامبر است. متدولوژی یا سبک رفتاری هدفمند معصومین (علیهم‌السلام)، بهترین الگو برای زندگی است. پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) می‌فرماید: «مَعَاشِرَ النَّاسِ أَنَا صِرَاطُ اللَّهِ الْمُسْتَقِيمِ الَّذِي أَمَرَكُمْ بِاتِّبَاعِهِ ثُمَّ عَلَيَّ مِنْ بَعْدِي ثُمَّ وُلْدِي مِنْ صُلْبِهِ أُمَّهُ الْهُدَى يَهْدُونَ إِلَى الْحَقِّ وَ بِهِ يَعْدِلُونَ».^۲ ای گروه انسانها من راه مستقیم الهی هستم که شما به پیروی از آن مأمور شده‌اید، سپس علی (علیه‌السلام) و فرزندانم از صلب علی (علیه‌السلام) صراط مستقیم‌اند که امامان هدایتند و به حق و عدالت هدایت می‌کنند. تأسی به سیره پیغمبر خدا و ائمه معصومین (علیهم‌السلام) موجب نجات در زندگی دنیایی نیز می‌شود. ما نیازمند قرآن و روایات و سیره ائمه معصومین (علیهم‌السلام) هستیم.

اصلاح زیربنای اعتقادی مؤثر در اصلاح امور

بنابراین باید به بیانات معصومین (علیهم‌السلام) اتصال پیدا کنیم. در مناسبت‌های فاطمیه و محرم و صفر فقط دنبال کلمات اخلاقی معصومین (علیهم‌السلام) باشیم و مطالب ناب را از آنجا بگیریم. اگر در عرصه سیاسی مشکل داریم؛ چون سیاسیون

۱. سیره (به زبان امروزی متدولوژی) در اصطلاح به سبک رفتاری هدفمند می‌گویند؛ رویه‌ای است که در تمام مراحل زندگی در فرد دیده می‌شود.
 ۲. الإحتجاج علی أهل اللجاج، طبرسی، ج ۱، ص ۶۰.

ما در اعتقادات و اخلاق ضعیف هستیم. رهبر معظم انقلاب به یکی از وزرا توصیه می‌کنند، از نماز شب غفلت نکن؛ اینکه حضرت آقا برای حل معضل یک وزارتخانه به خواندن نماز شب توصیه می‌کنند، براین مبناست که اگر زیربنای اعتقادی درست شود، دچار آسیب نمی‌شویم. سرماخوردگی به عنوان یک ویروس، وقتی در بدن ما اثر می‌کند که ما ضعیف شده باشیم. وقتی زیربنای اعتقادی سست باشد شبیه می‌آید.

بر اساس این حدیث از حضرت زهرا علیها السلام «مَنْ أَصْعَدَ إِلَيَّ اللَّهَ خَالِصَ عِبَادَتِهِ اهْبَطَ اللَّهُ لَهُ أَفْضَلَ مَصْلَحَةٍ»^۱ مشکل جوان امروز ما این است که در بحث عبودیت و بندگی کمبود دارد. جوان باید در جوانی به مقام عبودیت و بندگی برسد، تا بتواند یک عمر از این امر ارتزاق کند. جوان باید متوجه بشود که در این دنیا نمی‌تواند با گناه به آرامش، لذت، شادی و نشاط برسد.

حضرت فاطمه علیها السلام الگویی تمام عیار برای سبک زندگی

ما مدعی هستیم که حضرت زهرا علیها السلام از جنبه‌های مختلف یک الگوست و بر این ادعا دلیل داریم. اگر شخصیت ایشان را بخواهیم مورد بررسی قرار دهیم، اول به‌عنوان دختر نسبت به پدر و مادر؛ دوم به‌عنوان همسر برای امیرالمؤمنین علی علیه السلام، سوم به‌عنوان مادر؛ چهارم به‌عنوان بنده‌ای از بندگان خدا در وادی عبودیت و پنجم در عرصه سیاسی به‌عنوان مدافع ولی خدا، مطرح است.^۲

حیا و ادب حضرت زهرا علیها السلام

امیرالمؤمنین علی علیه السلام به خواستگاری آن حضرت می‌آیند، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به‌عنوان عقل کل، با دخترشان مشورت می‌کنند و از این طریق به ایشان شخصیت می‌دهند. در این باره دو نقل است؛ یکی اینکه حضرت زهرا مرضیه ادب کردند و پاسخ ندادند. نقل دوم اینکه حضرت عرض کردند من راضی‌ام به آنچه خدا و رسول خدا به آن راضی‌اند.

۱. بهار الانوار، ج ۶۷، ص ۲۴۹. هر کس عبادات و کارهای خود را خالصانه برای پروردگار خویش انجام دهد، خداوند بهترین مصلحت‌ها و برکات خویش را برای او تقدیر نموده و نازل می‌کند.

۲. کتاب «فرهنگ سخنان فاطمه زهرا» اثری جامع از مرحوم دشتی است که می‌توان برای یک عمر منبر در ایام فاطمیه از آن در ابعاد مختلف شخصیت حضرت زهرا علیها السلام مطلب استخراج کرد. کتاب «سبک زندگی فاطمی» نوشته دکتر جباری که تازه‌ها چاپ شده و بسیار ارزشمند است. کتاب سوم نیز تحقیقی نو با سبکی جدید، اثر آیت‌الله سید احمد خاچی است که هنوز چاپ نشده است. ایشان در این کتاب بحث خطبه فدکیه را مورد بررسی قرار داده‌اند.

سبک زندگی حضرت زهرا[ؑ] در نقش یک فرزند

عرب‌ها بی ادبی می‌کردند و پیامبر را به اسم کوچک مورد خطاب قرار می‌دادند. آیه نازل شد که ای پیغمبر، عرب‌ها نباید تو را به اسم کوچک صدا کنند، بلکه باید تو را «رسول الله» خطاب کنند. وقتی این آیه به گوش حضرت زهرا[ؑ] رسید، پدر که وارد شد حضرت فرمودند: السلام علیک یا رسول الله؛ رسول خدا فرمودند: دخترم این آیه برای شما نیست؛ شما می‌گویید بابا برای من بهتر است.

حضرت زهرا[ؑ] در لحظات آخر عمر نبی مکرم اسلام^ﷺ به شدت گریه و بی‌تابی می‌کرد. رسول الله دو مطلب به حضرت گفتند؛ یکی اینکه فاطمه جان تو می‌خواهی سیده زنان عالم بشوی، پس صبر کن. دیگر اینکه، دخترم بین من و تو زیاد فاصله نمی‌افتد و اول کسی که از خاندانم به من ملحق می‌شود تو هستی. گریه حضرت زهرا تبدیل به تبسم شد.

حضرت خدیجه کبری[ؑ] هنگام وصیت حیا کرد درخواستش را با همسرش رسول الله مطرح کند، لذا به دخترش فاطمه[ؑ] گفت به پدرت بگو وقتی از دنیا رفتم، پیراهن یا عبايي که هنگام نزول وحی به تن داشته، کفن من قرار دهد تا بلکه به حرمت پیراهن پیامبر قبر، مرا فشار ندهد.

این رفتارها صمیمیت ارتباط بین پدر و مادر با فرزند را نشان می‌دهد؛ یکی از معضلات جوامع امروزی ما، ارتباط بین نسل‌ها با همدیگر است که باید آسیب‌شناسی شود. اگر به سبک عملی پیغمبر خدا و حضرت زهرا ورود پیدا کنیم، مطالب نابی به‌دست خواهیم آورد.

سبک زندگی حضرت زهرا[ؑ] در نقش یک همسر

حضرت زهرا[ؑ] ۹ سال داشت که به‌عنوان همسر وارد خانه علی بن ابی‌طالب[ؑ] شد. مدت ۹ سال هم در خانه علی ماند. حسن و حسین و زینب و ام‌کلثوم را به دنیا آورد و تربیت کرد، ولی در این مدت یک درخواست هم از امیرالمؤمنین نکرد. در یکی از روزها، امام علی[ؑ] فرمود: فاطمه جان آیا غذایی داری تا از گرسنگی بیرون آییم؟ حضرت پاسخ دادند: نه، به‌خدايي که پدرم را به نبوت و شما را به امامت برگزید سوگند، دو روز است که در منزل غذای کافی نداریم و در این مدت شما را بر خود و فرزندانم در طعام ترجیح دادم. امام[ؑ] با تأسّف فرمودند: فاطمه جان چرا به من اطلاع ندادی تا به دنبال تهیه غذا بروم؟ حضرت زهرا[ؑ] فرمودند: ای ابالحسن، من از پروردگار خود حیا می‌کنم که چیزی را که تو بر آن توان و قدرت نداری، درخواست نمایم.

علاقه‌مندی و عشق به همسر

حضرت زهرا علیها السلام به امیرالمؤمنین وصیت می‌کنند: «... أَوْصِيكَ يَا أَبَا الْعَسَنِ أَنْ لَا تَنْتَسَانِي، وَ تَزُورَنِي بَعْدَ مَمَاتِي»^۱ علی جان وقتی از دنیا رفتی، مرا فراموش نکن و به زیارت قبر من بیا. حضرت امیر علیه السلام وقتی پاره تن رسول الله صلی الله علیه و آله را در قبر می‌گذارد خطاب به پیامبر فرمودند: یا رسول الله «... قَدْ أَشْرَجَتِ الْوُدَيْعَةُ وَأَخَذَتِ الرَّهْبِيئَةَ وَأَخْلِسَتْ الزُّهْرَاءُ فَمَا أَفْتَحِ الْخَضْرَاءَ وَالْغَبْرَاءَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَمَا حُرْنِي فَسَرَمَدٌ...»^۲. حضرت زهرا علیها السلام عاشقانه امیرالمؤمنین علیه السلام را دوست دارد و با زبان وصیت، عشق و علاقه به امام و همسرش را بیان می‌کند و در پی تسکین آلام و رنج‌های علی است.

سبک زندگی حضرت زهرا در نقش یک مادر

حضرت زهرا علیها السلام به‌عنوان یک مادر، به همراه امیرالمؤمنین علیه السلام برای سلامتی فرزندان خود نذر می‌کنند که روزه بگیرند. شب اول هنگام افطار فقیر می‌آید؛ شب دوم، یتیم و شب سوم، اسیر می‌آید و این خانواده هر سه شب را با آب افطار می‌کنند. آیه نازل شد «وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا»^۳ فرزند تربیت یافته این خانه، کریم اهل بیت - که کسی ناامید و دست خالی از خانه‌اش بیرون نمی‌رود - و سیدالشهداء علیه السلام است. پرورش یافته این خانه زینب علیها السلام است که یک صبح تا عصر هجده تن از عزیزانش را جلوی چشمش سر بردند. با تمام این مصیبت‌ها، ولی شام غریبان نماز شب را فراموش نمی‌کند و نشسته می‌خواند.

سبک زندگی حضرت زهرا در بندگی و عبودیت

عبودیت و بندگی حضرت زهرا علیها السلام به‌عنوان یک بنده، شب عروسی هم تجلی پیدا می‌کند. بعد از مدت‌ها شب عروسی یک لباس تازه معمولی پوشیده، ولی وقتی سائل همین لباس را تمنا می‌کند، لباس نو را بی‌درنگ به سائل می‌دهد و با لباس کهنه‌ای که در خانه پدر داشت به خانه داماد می‌رود. پیغمبر خدا وقتی فاطمه را دید فرمودند: فاطمه جان لباس کهنه بر تن داری؟ حضرت فرمودند به سائل داماد؛ پیامبر فرمود چرا کهنه را ندادی؟ حضرت زهرا عرض کرد: از شما یاد گرفتم، «لَنْ تَتَأَلَوْا الْبِرَّ حَتَّىٰ تُتَفَقَّحُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَمَا تُتَفَقَّحُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ

۱. کوکب الدرر، ج ۱، ص ۲۵۳.

۲. نهج البلاغه، محمد دشتی، خطبه ۲۰۲.

۳. سوره انسان، آیه ۸.

بِه عَلِيمٌ^۱! پیامبر اکرم شب عروسی به دخترش فاطمه علیها السلام سفارش می‌کند که مبادا از شوهرت چیزی بخواهی که در توانش نباشد؛ به علی هم سفارش می‌کند در خانه به فاطمه کمک کن. تنها خواهش حضرت زهرا علیها السلام از امیرالمؤمنین علیه السلام این است که در شب عروسی با هم تا صبح با خدا مناجات کنند. علی و زهرا، شب زفاف تا صبح با خدا مناجات کردند. صبح وقتی پیغمبر خدا به خانه فاطمه آمد، از حضرت علی پرسید «كَيْفَ وَجَدْتِ أَهْلَكَ؟»^۲ همسرت را چگونه یافتی؟ حضرت عرض کرد: در مسیر بندگی خدا همراه خوبی است. از حضرت زهرا پرسید: فاطمه جان همسرت را چگونه یافتی؟ عرض کرد، بهترین شوهر است.

سبک زندگی حضرت زهرا در عرصه سیاسی

آیت الله سید احمد خاتمی براساس خطبه فدکیه، مستدل و علمی و متقن اثبات کرده‌اند، در مواردی که لازم باشد زن می‌تواند برای دفاع از ولّی خدا در عرصه‌های اجتماعی حضور پیدا کند. حضرت زهرا علیها السلام در میدان سیاست و عرصه اجتماعی مطیع امر ولّی خداست؛ نه یک قدم جلو، نه یک قدم عقب؛ درد او درد ولّی خدا و چشم او به علی بن ابی‌طالب است. امام علی علیه السلام تنها یک همسر نیست، بلکه ولی و امام است و امر او نافذ می‌باشد.

بنابراین، حضرت زهرا علیها السلام هم به‌عنوان یک دختر نقش آفرینی می‌کند، هم در نقش یک همسر و یک مادر؛ در مواقع لزوم در میدان سیاست و اجتماع حضور مؤثر و فعال دارد و در عین حال در میدان عبودیت و بندگی نیز بنده خاص خداست.

پس زندگی حضرت زهرا علیها السلام تنها گریه و اشک نیست. هرچند اشک و گریه باید باشد. حضرت امام رضوان الله علیه در صحیفه نور می‌فرماید: «در سراسر کشور مجلس روضه باشد. همه روضه بخوانند و همه گریه بکنند».^۳ باید مطالب را از دل روضه بیرون کشید. بعضی‌ها روضه را سیاسی‌کاری می‌دانند و می‌گویند ما با مسائل سیاسی کاری نداریم. اگر این سیاسی است، امام حسین علیه السلام هم سیاسی بود. درس‌هایی که امام حسین علیه السلام به ما داد، این بود که به‌خاطر تهدید و تحریم پای میز مذاکره نروید. به حضرت سیدالشهداء علیه السلام گفتند: آقا با یزید

۱. سوره آل عمران، آیه ۹۲. «نیکی را در نخواهید یافت تا آنگاه که از آنچه دوست می‌دارید انفاق کنید و هر چه اتفاق می‌کنید خدا بدان آگاه است».

۲. بخاراانوار، ج ۲۳، ص ۱۱۷.

۳. صحیفه نور، ج ۱۲.

بیعت کن؛ حضرت فرمودند: من حسینم؛ جدم پیغمبر است، پدرم علی و مادرم زهرا و جدهام خدیجه کبری است. من چه سنخیتی با یزید شرابخوارِ فاسد معلوم الحال دارم که با او سر میز مذاکره بنشینم؟ امام حسن در مدائن فریاد می‌زد ای مردم، معاویه به تعهداتش عمل نمی‌کند؛ او می‌خواهد شما را خوار و خفیف کند. امام حسین علیه السلام در جواب کسانی که می‌گفتند اگر با یزید مذاکره نکنی تحریم خواهی شد، فرمودند: «إِنِّي لَا أَرِي الْمَوْتَ إِلَّا سَعَادَةً وَالْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا بَرَمًا»^۱ من مرگ را جز سعادت، و زندگی را جز مایه ملالت و بدبختی نمی‌بینم!

تقرب از طریق تولی و تبری

در زیارت عاشورا می‌خوانیم «إِنِّي اتَّقَرُّبُ إِلَى اللَّهِ وَ إِلَى رَسُولِهِ وَ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ إِلَى فَاطِمَةَ وَ إِلَى الْحَسَنِ وَ إِلَى الْبَيْتِ مُمَوَّلَاتِك»^۱؛ «با ابا عبد الله به راستی به وسیله دوستی و ولایت تو به خدا و رسول خدا و به سوی امیرمؤمنان و فاطمه و حسن علیهم السلام و نزد خودت تقرب و نزدیکی می‌جویم». تقرب به واسطه دو امر موالات به ولی خدا و برائت و تبری از دشمنان خدا میسر است. حضرت زهرا علیها السلام که تمام و کمال مطیع علی بن ابی طالب است، وقتی آن دو نفر برای عبادت آمدند، حضرت ابتدا نپذیرفتند، ولی وقتی امام علی علیه السلام را واسطه قرار دادند، حضرت فاطمه بدون درنگ قبول کردند و فرمودند: علی جان «الْبَيْتُ بَيْنَكَ وَ الْحَرَّةَ أُمَّتُكَ» خانه متعلق به شماست و من هم به منزله کنیز و خدمت‌گزار در خانه شما هستم. هر چه تو بگویی، فقط اجازه بده با اینها حرف نزنم. این مصداق ولایت‌پذیری است.

دفاع از ولایت تا پای جان

حضرت زهرا علیها السلام در عرصه سیاسی خودش را فدای ولی خدا می‌کند. سه بار به خانه حمله‌ور شدند، هر سه بار حضرت زهرا علیها السلام امیرالمؤمنین را برگرداند و خودش رفت و فرمود تا وقتی من در این خانه هستم نمی‌گذارم وارد خانه بشوید. مرتبه سوم که آمدند، خانه را آتش زدند و وارد خانه شدند. بعد از جنایاتی که رخ داد، وقتی حضرت زهرا علیها السلام به هوش آمدند و دیدند امیرالمؤمنین را می‌برند، لباس حضرت را گرفت و با تمام وجود به تنهایی از ولی خدا دفاع کرد.

۱. مستندالامام الشهدی، ج ۲ ص ۴۷۸.

ایستادگی در برابر خصم

بعد از آنکه امام علی علیه السلام را آنگونه به مسجد بردند، حضرت زهرا علیها السلام تا چشمانش را باز کرد، پرسید علی را کجا بردند؟ حضرت وارد مسجد شد و تا دید شمشیر برهنه بالای سر علی علیه السلام گرفته‌اند، با تهدیدی جدی فرمودند: «خَلُّوا عَنِ ابْنِ عَمِي قَوْلِ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ لَئِنْ لَمْ تَخْلُوا عَنْهُ لَأَنْشُرَنَّ شِعْرِي وَ لَأَصْعَنْ قَمِيصَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آَلِهِ وَ أَصْحَابِهِ وَسَلَّمَ عَلَى رَأْسِي وَ لَأَصْرَحَنَّ إِلَى اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى»^۱ رها کنید پسر عمویم را! قسم به آن خدایی که محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آَلِهِ وَ أَصْحَابِهِ وَسَلَّمَ را به حق برانگیخت! اگر از علی علیه السلام دست برندارید، گیسوان خود را پریشان کرده و پیراهن رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آَلِهِ وَ أَصْحَابِهِ وَسَلَّمَ را بر سر افکنده، به نزد خدای تبارک و تعالی فریاد بر می‌آورم.» بچه و زخمش را فراموش کرد. به پای ولایت از همه چیز گذشته است. هنگامی که سلمان فارسی با اشاره امام علی علیه السلام از آن بانوی بزرگوار خواست تا نفرین نکند و به منزل برگردد، خطاب به سلمان فرمودند: «يُرِيدُونَ قَتْلَ عَلِيٍّ وَ مَا عَلِيٌّ عَلَيْهِ صَبْرٌ»^۲ می‌خواهند علی را به قتل برسانند و [امن] بر قتل علی صبر ندارم.» خلیفه و دیگران که مرعوب دفاع و حمایت جدی آن بانوی بزرگوار از امام علی علیه السلام شدند، به ناچار امام علیه السلام را آزاد کردند و حضرت زهرا علیها السلام با دیدن امام علیه السلام یک ناله‌ای زد که در مسجد پیچید. فرمود علی جان: «رُوحِي، لِرُوحِكَ الْفَدَاءُ وَ نَفْسِي لِتَفْسِيكِ الْوَقَاءُ يَا اِبَا الْحَسَنِ! اِنْ كُنْتُ فِي خَيْرٍ كُنْتُ مَعَكَ وَ اِنْ كُنْتُ فِي شَرٍّ كُنْتُ مَعَكَ»^۳.

۱. بحار الأنوار، ج ۴۲، ص ۴۷؛

۲. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۶۶ و ۶۷.

۳. نهج الحیاة، ص ۱۴۷. «علی جان، جانم فدای جان تو، و جان و روح من سیر بلاهای جان تو، یا ابا الحسن! همواره با تو خواهم بود، اگر تو در خیر و نیکی بسر می‌بری با تو خواهم زیست، یا اگر در سختی و پلایا گرفتار شوی، باز هم با تو خواهم بود.»

اصل قضیه، درست کردن سبک زندگی است؛
رفتار اجتماعی است؛ اخلاق عمومی است؛ فرهنگ زندگی است.
باید در این بخش، ما پیش برویم؛ باید تلاش کنیم.
تمدن نوین اسلامی که ما مدعی اش هستیم و دنبالش هستیم
و انقلاب اسلامی می خواهد آن را به وجود بیاورد،
بدون این بخش تحقق پیدا نخواهد کرد.

بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی

۱۳۹۱/۰۷/۲۳

بیتنا
پژوهش



۰۲۵ ۳۲۹۲ ۸۹ ۵۱
۳ . . . ۱۵۴۲
www.1542.org
info@1542.org